



چگونه می‌توان به تقسیم اموال متوفی اعتراض کرد؟

انحصار وراثت از جمله دسته اموری است که به موجب مرگ، انجامش ضروری است اما برخی خانواده‌ها به هر دلیلی برای انجام آن، با مشکل مواجه می‌شوند که قانون برای حل و فصل آن، راه‌حلهایی دارد.

انحصار وراثت از جمله دسته اموری است که به موجب مرگ، انجامش ضروری است اما برخی خانواده‌ها به هر دلیلی برای انجام آن، با مشکل مواجه می‌شوند که قانون برای حل و فصل آن، راه‌حلهایی دارد.

به گزارش [تابناک](#)؛ مرگ رخدادی اجتناب‌ناپذیر است که دیر یا زود برای هر فردی اتفاق می‌افتد. شاید یکی از چالش‌برانگیزترین امور پس از فوت یک فرد تقسیم ارثیه به طور صحیح بین وراث باشد؛ آن هم در شرایطی که بازماندگان، سوگوار از دست دادن عزیزشان هستند و مسلماً در وضعیت روحی و روانی نامناسبی قرار دارند.

گاه برخی از ورثه نمی‌خواهند به این زودی‌ها دست به دارایی بازمانده بزنند و راضی به تقسیم ارثیه نمی‌شوند و گاه حتی منکر وارث بودن فرد خاصی می‌شوند. این نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها در شرایط ویژه از دست دادن یک عزیز، باعث ایجاد تنش و درگیری‌های گاه سنگین می‌شود البته قانون تکلیف همه چیز را مشخص کرده و جای هیچ نگرانی و چانه‌زنی نیست.

اموال و دارایی فرد پس از فوت و کسر دیون و مخارج، به صورت قهری و جبری به بازماندگان انتقال می‌یابد که این امر آثاری از جمله لزوم تعیین تکلیف مایملک و میزان سهم و حقوق وراثت را به دنبال دارد.

اما برای اینکه وراثت بتواند سهم‌الارث خود را مطالبه و در آن تصرف کنند، ابتدا لازم است اسامی وراثت سهم‌الارث هر یک از آنها در دادگاه بررسی و اثبات شود. به عبارت دیگر برای تعیین تکلیف میراث هرکس پس از فوت، ابتدا باید ورثه را تعیین کرد. رسیدگی به این امر از سوی مرجع قانونی و با رعایت تشریفات مقرر در قانون [انحصار وراثت](#) و رای صادرشده را [تصدیق](#) یا گواهی انحصار وراثت می‌نامند. کارکرد گواهی انحصار وراثت نیز آن است که بدون انحصار وراثت، وضعیت ورثه و چگونگی تقسیم ترکه به طور رسمی روشن نمی‌شود.

برای صدور گواهی انحصار وراثت باید به شورای حل اختلاف آخرین محل اقامت دایمی متوفی مراجعه کرد اما باید توجه کرد که رسیدگی به دعاوی اثبات یا نفی نسب در صلاحیت دادگاه خانواده همچنین دعاوی راجع به وصیت، تولیت و وقف که ممکن است پس از فوت متوفی ایجاد شود در صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی است و این‌گونه دعاوی حتی با توافق طرفین نیز قابلیت طرح در شورای حل اختلاف را ندارد.

وراثت و هر شخصی که نفعی در اموال متوفی داشته باشد، می‌تواند تقاضای صدور گواهی انحصار وراثت کند. چنانچه وراثت یا اشخاص ذی‌نفع متعدد باشند، نیازی به درخواست همگی آنها نیست و اقدام یک نفر از آنها برای امضا و ارایه دادخواست کافی است. به این صورت که یکی از وراثت به عنوان خواهان دادخواست را به طرفیت (علیه) سایرین تقدیم می‌کند.

به همراه دادخواست انحصار وراثت، مدارک دیگری نیز باید ضمیمه شود؛ اولاً تصویر برابر اصل [شناسنامه](#) و کارت ملی متوفی و تمامی وراثت همچنین سند ازدواج در صورت متأهل بودن متوفی قبل از فوت، لازم است که ارایه شود؛ ثانیاً استشهادیه باید ارایه شود. به این معنا که سه شاهد در فرم مخصوص اسامی وراثت را گواهی می‌کنند و دفتر اسناد رسمی، امضای آنها را تایید می‌کند. نکته حائز توجه این است که این سند یک سند عادی است و صرفاً اعتبار استشهادیه دارد و سند رسمی محسوب نمی‌شود زیرا دفتر اسناد رسمی به هیچ وجه به محتوای گواهی شهود کاری ندارد بلکه فقط امضای آنان در ذیل برگه را تایید می‌کند. ثالثاً ارایه رسید تقدیم اظهارنامه مالیاتی لازم است. یعنی وراثت پس از فوت متوفی باید لیست تمامی اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول او را در قالب اظهارنامه مالیاتی به اداره دارایی حوزه محل سکونت متوفی ارایه و رسید آن را دریافت کرده و همراه با دادخواست گواهی انحصار وراثت به شورای حل اختلاف تقدیم کنند.

اگر فردی به گواهی صادرشده درباره انحصار وراثت اعتراضی داشت، می‌تواند اعتراض خود را اعلام کند. به طور مثال یکی از ورثه ممکن است اعتراض داشته باشد که نامش در گواهی قید نشده است همچنین ممکن است موصی و له (فردی که وصیت به نفع او انجام شده است) یکی از اعتراض‌کنندگان به گواهی انحصار وراثت باشد.

یکی از اشخاصی که می‌تواند به گواهی انحصار وراثت اعتراض کند، دادستان یا رییس حوزه قضایی است. مطابق ماده 367 قانون امور حسبی، در همه مواردی که دادستان تشخیص دهد که متوفی بلاوارث بوده و درخواست اشخاص برای صدور تصدیق بی‌وفا و بی‌وفا؛ اساس است، می‌تواند به درخواست تصدیق وراثت اعتراض کند همچنین وی می‌تواند در صورتی که متوفی را بلاوارث بداند، به تصدیق انحصار وراثت در موردی هم که تصدیق و مسبوق به آگهی نبوده است، اعتراض کند و در هر حال دادستان حق دارد از رأی دادگاه تقاضای تجدیدنظر کند البته تا زمانی که برای محجور، قیم و برای غایب، امین معین نشده است، دادستان می‌تواند به نام محجور و غایب به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض کند که این موضوع در ماده 368 قانون امور حسبی بیان شده است.

همچنین در صورتی که گواهی انحصار وراثت به زیان وراثت یا اشخاص ذی‌نفع صادر شود، هر یک از آنها می‌توانند به آن اعتراض کنند؛ مثلاً اگر نام یکی از وراثت متوفی در گواهی انحصار وراثت ذکر نشده باشد، نامبرده می‌تواند با ارائه دلایل و مستندات نسبت به صدور گواهی مزبور اعتراض کند. مطابق ماده 369 قانون امور حسبی، رای دادگاه در این مورد قابل تجدیدنظرخواهی است.

بر اساس ماده 356 قانون امور حسبی، تصدیق صادره از مقامات صلاحیتدار کشور متوفی راجع به وراثت اتباع خارجه با انحصار آن پس از احراز اعتبار آن در دادگاه ایران از انحصار وراثت صدور و رعایت مقررات مربوطه به اعتبار اسناد تنظیم‌شده در خارجه قابل ترتیب اثر خواهد بود. این ماده اعتبار گواهی انحصار وراثت صادره از سوی مقامات صلاحیتدار کشور متوفی را که مربوط به وراثت اتباع خارجه یا انحصار آن است، منوط به احراز صدور آن و رعایت مقررات مربوط به اعتبار اسناد تنظیم‌شده در خارجه کرده است. مقررات مربوط به اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه از کشور نیز در ماده 1295 و 1296 قانون مدنی آمده است.